



۲۰۲۴/۰۲/۰۷

عبدالقیوم میرزاده

## مواردی چند دستوری در زبان دری

اگر کلمات بارندگی، تابندگی همبستگی، زندگی، نمایندگی و امثال آن بدون اضافه کردن حرف «ه» در میان چون بارنده گی، تابنده گی، همبسه گی، زنده گی، نماینده گی نوشته شود از یکطرف بسیار مأنوس است و از طرف دیگر همین طرز نوشتن درکشور ما قدامت طولاً دارد و تقریباً همه مردم بصورت خودآموخته با آن آشنا اند

در زبان دری یکی از گونه های جمع بستن با «ها» صورت میپذیرد. مانند کتابها، زنها، آدمها و غیره. عده از نویسندگان بدون هیچ دلیل منطقی این اسمای جمع را با «ها» جدا مینویسند. مانند کتاب ها، زن ها، آدم ها با این طرز نوشته در طرز تلفظ و آوا میان اسم و صورت جمع آن فاصله ایجاد شده هم برای نویسنده و هم برای خواننده سوءتفاهم تلفظی و آوایی ایجاد میکند. همچنان برای نوشتن زمان حال افعالی مانند نوشتن، رفتن، گفتن، خواندن، دانستن، کوبیدن در عوض جدا نوشتن فعل و حالت آن که در پسوند و یا پیشوند مضاف میگردد عرف املائی در زبان دری از قدیم الایام معمول و مانوس بوده و بهتر خواهد بود فعل را با پیشوند و پسوند حالت آن یکجا بنویسیم و فعل را با حالت آن بیگانه نسازیم. پس لازم است مینویسیم، میروم، میگوییم، میخوانی، میدانید، میکوبد، مینوشند بنویسیم.

مسئله دیگر اینکه از قدیم ها تا امروز هم در هنر نویسندگی، خصوصاً در انواع هنر خطاطی خواننده ایم، که اگر حرف «ه» و یا حرف «م» یا حرف «ی» و یا هم هر حرف دیگری در شروع، در وسط و یا در آخر یک لغت بیاید کدام شکل را بخود میگیرد؟ مطابق آن ما حق نداریم چنین پیشوندها و پسوندها را جدا بنویسیم و دارای یک شخصیت جداگانه و مجزا از اصل کلمه بسازیم. در نوشته ها و آثار بسیاری از نویسندگان ما میبینیم که صورت استفاده حروف یا پسوندهای «ء»، «بی»، «ئی»، «ای» در یک متن یا در یک کلمه از یک نظم و قاعده برخوردار نبوده و کدام رهنمود دستوری برای نظم دهی و قاعده سازی این مامول هم وجود ندارد، پس بهتر پنداشته میشود تا ادیبان و زبان شناسان ما برای این مامول یک قاعده معین مطرح کرده و مروج سازند و تا آنزمان نویسندگان برای نوشتن این حروف و پسوند ها را طبق انتخاب خوششان بنویسند و خوانندگان هم پذیرا باشند. بسیاری از نویسندگان علامه نکره «ای» را در حالات مختلف در پسوند می آورند:

«من در نوشته ای خواندم که او دیگر با ما نیست»

«امنیت این جا را، دسته ای از سربازان کشور به عهده دارند»

«چشمه ای که آب زلال دارد باید در میان کوهها جسجو گردد» و غیره. که «ای» (تنکیر) واحد سازی همان اسمهای «نوشته، دسته، چشمه» است و آن را منفرد و یا مفرد میسازد که هم اکنون در میان همه نویسندگان زبان دری عمومیت پیدا کرده است.

استفاده «بی» و «ئی» (که هر دو بشکل نسبتی استفاده میشود) بسیار پراکنده تر از «ای» است. این دو حالت که حالت نسبتی و یا نسبت دادن است، هم باید از یکدیگر تفکیک شود. یا مسلم شود که یکی از این دو مورد باید انتخاب شود و در تمام جا همگون باشد، و یا هم برای هر یکی از اینها وظیفه جداگانه ای را باید معین کرد.

موارد استعمال پسوند های «بی» و «ئی» در حالاتیکه یک اسم با «الف» ختم شود، در آنصورت «ی» نسبتی به دو یا «بی» تبدیل میگردد ولی در همه حالات دیگر همان یک «ی» بکار برده میشود. به مثالهای «ی» نسبتی و «بی» نسبتی زیر توجه کنید:

قندهاری، لغمانی، بغلانی، آسانی، پاکستانی، استرالیایی، البانیایی، بلغاریایی، امریکایی، کانادایی، افریقایی و غیره

در قبال موارد استفاده پسوند های «بی» و «ئی» باید علاوه کرد که بسیاری از نویسندگان با اعتبار اینکه حرف همزه «ء» و حرف «الف» یکی اند بیشتر متمایل به این اند که در عوض نوشتن پسوند «ئی» «ای» بنویسند. پس، آنهمه وظایفی را که «ای» انجام میدهد، باید همان وظایف را به «ئی» (نکره) هم سپرد، ولی با کدام تفاوت؟ اگر تفاوت وجود نداشته باشد پس بهتر است در همان حال اولی خود در جنب «بی» قرار داشته باشد و یا از آن هیچ کار گرفته نشود. در عین زمان، از لحاظ تلفظ نیز «ای» و «ئی» همگون ادا میشود و آوای یکسان دارند اما تلفظ «بی» با این دو تا، خیلی فرق دارد.

آنچه در این میان قابل توجه است وظیفه «ای» که در اخیر اسمایی قرار گیرد که آنها با حرف «ه» مختوم باشند و یا در اخیر اسمایی قرار گیرند که با حرف «الف» مختوم باشند. که آنرا میتوان در عبارات و جملات ذیل توضیح داد:

موارد استفاده «ء»

وظیفه من توضیح دادن است و بس.

کربلا معركة جنگ بود.

دلدادۀ تو از جهان گذشت

موارد استفاده «ی» نسبتی:

مرد لغمانی

کلاه قندهاری

لاجورد بدخشانی

موارد استفاده «بی» نسبتی، در کلماتیکه به "الف" مختوم است:

مردمان کانادایی قد بلند دارند.

امتعه ای البانیایی در بازار افغانستان پیدا نمیشود.

گفته میشود که هسپانیاییها از مهاجرین دل خوش ندارند .

صورت استفاده «بی» نسبتی و نکره:

چاپ اندازان ترکمنی که هنر پهلوانی نداشته باشند در تیم پذیرفته نمیشوند.

نفاق میان مردم چنان دشمنی را سبب گردیده که تباهی بمیان آورده است.

صورت استفاده «ی» نکره و معرفه در آخر اسمهائی که مختوم به «الف» و «ه» نباشد:

هر چه گشتم کسی را نیافتم که کمکم کند..

روزی او را دیدم، ولی هرچه اصرار کردم، حتی روزی هم پیش ما نیاید.

به گفته مشهور کشوری که صاحب نداشته باشد برباد میشود.

هرچه بگندد نمکش میزنند وای به حالی که بگندد نمک.

صورت استفاده «ای» نکره:

تلاش روزنه ای بسوی رفاه و بهبودی است.

در خانه ای که به بزرگان احترام نگردد، برکت از آنجا میکوچد.

د پانو شمیره: له 2 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلپکني د ليکنيزې بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولئ

دیروز در راه، در مانده ای را دیدم، که از مردم امداد میطلبید.  
خانه ای را که پسندیدی، خریدم.

صورت استفاده "ئی" نکره: چنانچه در بالا توضیح دادم بهتر است در نوشته ها و املاها، مانند «ای»  
مورد استفاده قرار گیرد، ولی در حالت متفاوت، و آن در صورتی که آخر کلمه یا اسم به «الف» مختوم  
باشد، بدینگونه:

دشنامهایی که از تو شنید، تو گویی مرحم جانش گشت.  
دانه لوبیائی که بر زمین کاشتی، نروید.  
هر آن ملائی که حرمت مسجد را نداشته باشد جایش در دوزخ است.

بطور اختصار در موارد تنکیر در زبان دری میتوان گفت که:  
در آخر هر اسم و یا کلمه ای که حرف «ی» باشد یک «ی» دیگر اضافه میشود، شکل «بی» را  
بخود میگیرد.

در آخر هر اسم یا کلمه ای که حروف «ی»، «الف» و «ء» نباشد همچنان یک ی اضافه میشود،  
یعنی «ی».

در آخر هر اسم یا کلمه ای که حرف «ه» باشد با «ای» تنکیر گردد.  
در آخر هر اسم و یا کلمه ای که حرف «الف» باشد بهتر است با «ئی» وانمود گردد.

همچنان نویسندگان ما در نوشتن ضمائر شخصی هم با مشکلاتی موهومی روبرو هستند که بیشتر  
اوقات سوء تفاهماتی را سبب میگردد.

بطور مثال گاهی «در کلام اش سحر و جادو است»، «در کلام شان سحر و جادو است»، «در  
کلامشان سحر و جادو است» مینویسند. بهتر خواهد بود بصورت بسیار ساده نوشت: «در کلامش  
سحر و جادو است».

بمنظور رفع ابهامات در این باب باید نگاشت:

ضمیر «اش» در حالاتی نوشته میشود که اسم یا کلمه با «ه» مختوم باشد، مانند: خانه اش، گنجینه  
اش، کتابچه اش، دکمه اش، معشوقه اش. در حالاتی که اسم یا کلمه با «الف» مختوم باشد، بهتر است  
چنین نوشت: دندانهایش، پاهایش، جورابهایش، کتابهایش، دیوارهایش و غیره. ولی در صورتی که در  
آخر کلمه حروف «ء» و «الف» نباشد، در چنین حالتی صرف «ش» در آخر همان کلمه اضافه  
شود، مانند: کلامش، زنجیرش، والدینش و غیره. صرف در حالتی، که در اخیر کلمه حرف "ی" آمده  
باشد، در آن صورت، مفید پنداشته میشود، ضمیر «یش» نوشته شود، مانند: دوستیش، دشمنیش،  
جوانمردیش، دینداریش و غیره  
ادامه دارد